



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۱/۲۹



م. نعیم بارز

عبدالله عبدالله و حرکت های افسار گسیخته!



خواننده گرامی! نوشته ای که ذیلاً از ملاحظه تان خواهد گذشت، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ در سایت «وزین افغان جرمن آنلاین» به نشر رسیده بود. چون بار دیگر در این فرصت تکرار آن توطئه ها از سوی مخربین کشور بوجود آمده است، خواستم با یک تبصره پایانی آن را به نشر سپارم تا دریابید که قدرت طلبان چگونه بیشرمانه بخاطر منافع شخصی و گروهی از طریق زور و بحران آفرینی می خواهند به قدرت رسند. ۲۰۱۹/۱۱/۱۹

بحران آفرینی!

بن بست که از چندی بدین سو در اثر انتخابات ریاست جمهوری دامنگیر مردم و کشور گردیده، معلوم نیست که سر انجام پیامدش چه خواهد بود، فقط یک چیز به خوبی پیداست که جامعه و دولت از چنان ظرفیت ها و پوتانسلی بهره مند نیست که بتواند در موقع لازم برای هر مشکلی راه حل مناسبی ارائه کرده و نگذارد که حالت به بحران و بن بست منجر گردد.

اما علاوه بر این اندک نیروی روشنفکری و به اصطلاح جامعه مدنی که تازه به وجود آمده آنهم بجای رسانیدن خیر و اثر راه گشاه به این مناقشات و مخالفت های مشابه مخزن باروت و سلاح، با اظهار سخنان ناشیانه شان جرقه پرتاب می کنند.

از سوی دیگر درون مایه، یا خوی و خاصیت اصلی جنگسالاران و نخبگان بیرون آمده از آتش جنگ که همانا خشونت و قانون شکنی است بر هیچ کس پوشیده نیست، اگر آنها ظاهراً از مردم ستائی و خدمت و سازندگی به کشور سخن می گویند این نوع اظهار نظر های پوچ آنها همواره آشکار شده است، بخصوص در موقعیت های که مسئله چگونگی ساختار حاکمیت و نحوه رسیدن به قدرت پیش آمده، دیده شده است با وجود اسلام نمائی حتی به دین و قسم در خانه کعبه هم وفادار نبوده اند، در همان روزی که به خواست شان نرسیده اند، بلا معطلی خاصیت خشونت را و عدم مسؤولیت پذیری شان را برملا ساخته اند.

عبدالله عبدالله و حامیانش که بدون شایستگی و کفایت لازم خود را با زور و ارعاب در مقامات بلند دولتی جا زده اند، عملاً شعار (یا ارگ - یا مرگ) را پیش کشیده اند.

عبدالله عبدالله، قانون اساسی، نهاد انتخابات، رئیس جمهور و هیچ چیزی را قبول ندارد وقتی از وی پرسیده می شود که پس چه می خواهید؟ می گوید «موضوع را با مردم در میان می گذارم». او این جمله را به تکرار چنان بیان می کند که گویا همه مردم افغانستان یک سر داشته و دارای یک اراده اند در حالیکه چنین نیست زیرا هر فرد دارای اراده، خواست ها و امیال خاص خود می باشد. عبدالله عبدالله و همه جنگ سالاران و حامیان شان نه تنها مجموع مردم افغانستان را در نظر ندارند بلکه حتی مردمی را که در جناح رقیب سیاسی وی قرار دارند هم نادیده می گیرند، چنانکه چند روز قبل خود با یک عده ای از حامیان شتاب زده و سراسیمه به خیمه لویه جرگه رفته در آنجا هیجان زده به سخن رانی پرداخته که گوئی اگر به ریاست جمهوری نرسد عنقریب به امر و تصمیم خود قیامت برپا خواهد کرد، مثلاً می گوید «اگر قطعه قطعه شوم نمی گذارم»

این چیغ زدن ها و حلقوم پاره کردن ها شاید از دید یک روان شناس، ناشی از عقده محرومیتی بوده باشد که در ایام طفولیت به وی آسیب رسانده باشد و یا از دوران نو جوانی تا حال کدام غده یا زخم چرکین در ذهن و روانش بوده که باز و مداوا نشده و باعث رنج و آزارش گردیده و او را هیچگاه آرام نمی گذارد.

به قول روان شناسان مشکل و خطر اصلی این نوع عقده ها اینست که در محدوده ضمیر ناخود آگاه شخص باقی نمی ماند، بخصوص بیشتر از هر کس دیگر در فرد سیاسی مقتدر ایجاد خطر می کند، چون، تبلیغ و تلقین وی برای بعضی حامیان و مردم عوام که بیشتر تابع احساسات و عواطف خود می باشند تأثیر گذاشته جای عقلانیت و منطق شان را احساسات مهار ناشده فرا می گیرد و برای رسیدن به خواست شان از هیچ عمل خشونت بار دریغ نمی ورزند. چنانکه در طول تاریخ دیده شده زیر نام این و آن بیشترین اغتشاشات و انقلابات را توده های تلقین شده به راه انداخته اند و بعد نتایج منفی آن برملا شده است. مثلاً انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ روسیه به تلقین و تبلیغ لنین و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران به تلقین و تبلیغ آیت الله خمینی.

در مدت سی و پنج سال ما نمونه های بسیار خشونت بار را در انقلاب به اصطلاح دیموکراتیک، جنگ و جهاد تنظیم ها و گروه طالبان دیده و می بینیم و باز هم اثر این عمل تلقین به خشونت را در بعضی حامیان عبدالله عبدالله در خیمه لویه جرگه با پاره پاره کردن عکس رئیس جمهور کرزی دیدیم، از صحنه وحشت بار به خوبی پیدا بود که اگر از همین حالا جلو شان گرفته نشود بدون تردید دیری نخواهد پایید که با اعلام تشکیل دولت موازی با دولت موجود بحران های بسیاری را به بار خواهند آورد.

عبدالله عبدالله چند روزی از حامیان و وقت گرفته و منتظر تشریف آوری جان کری وزیر خارجه دولت ایالات متحده امریکا است زیرا قبلاً از سوی وی هوشدار داده شده بود تا کسی و یا جناحی خلاف قانون کاری نکند و الا از کمک های امریکا و هم پیمانانش، محروم خواهد شد. گرچه در گذشته بار ها ثابت شده که اینها هرگز به فکر جان مردم و منافع ملی نیستند اما در برابر زور و زر کرنش و اطاعت کرده و می کنند.

امروز جمعه ۲۰۱۴/۷/۱۱ قرار است جان کری به افغانستان بیاید، دیده شود چه راه حلی را پیش می کشد که برای هر دو طرف یعنی داکتر اشرف غنی و عبدالله عبدالله قابل قبول باشد.

حکومت ائتلافی را اشرف غنی نخواهد پذیرفت حق هم دارد زیرا پیروز انتخابات است، پیروز بدین معنی که اگر گفته شود تقلب و تخطی بسیار در امر انتخابات صورت گرفته بدون تردید متوجه هر دو طرف خواهد بود لذا اگر زیر نام تقلب از رأی داکتر اشرف غنی دو برابر رأی تقلبی عبدالله عبدالله کم و باطل شناخته شود، باز هم رأی داکتر اشرف غنی بیشتر از رأی عبدالله عبدالله خواهد بود، چون تفاوت رأی اشرف غنی یک میلیون بیشتر از رأی است که عبدالله عبدالله بدست آورده است.

پرداختن بیشتر به این مسأله بیهوده است چنانکه تا کنون از هر سو که به بحث گرفته شده بیهوده بوده، آنچه پایه و اساس تصمیم گیری است، قانون اساسی می باشد که به موجب آن قانون انتخابات به وجود آمده و با همه کمی و کاستی نهاد قانونی انتخابات شکل گرفته و ممکن نیست هیچ مقام و مرجع داخلی و خارجی وجود تصامیم کلی و نهائی آنرا نادیده گیرد. می باید تا جائیکه ممکن باشد رأی تقلبی از رأی صحیح و سالم شناسائی شده بعد نتیجه نهائی آرای هر یک اعلام گردد آنگاه هر یک طبق قانون مکلف اند به آن گردن نهند.

مسأله دیگر نقش مشورتی وزیر خارجه امریکا است او حق ندارد خلاف نتیجه کمیسیون انتخابات و کمیسیون رسیدگی به شکایات باز هم چون سال ۲۰۰۱ حکومت ائتلافی را بر کاندید پیروز در انتخابات ریاست جمهوری تحمیل نماید، اگر چنین شود سیزده سال به عقب رفتن و باز هم دعوی تقسیم قدرت به راه انداختن است. بگذارند که بر وفق اراده و خط مشی رئیس جمهور، حکومتی تشکیل گردد تا مطابق به همان خط مشی اجراءات صورت گیرد. نه آنکه یک کابینه ائتلافی به وجود آید که هر روز کشمکش بر سر قدرت و خویش خوری جریان داشته و هیچ کس نزد هیچ مرجع و مقام جواب ده و مسؤول نباشد.

اگر رئیس جمهور حق نداشته باشد که کابینه اش را خود انتخاب نماید اصلاً او رئیس جمهور و رئیس حکومت گفته نمی شود و همچنان باید کاندید شکست خورده در انتخابات به حیث جناح مقابل، مخالف و یا او پوزیسیون (opposition) در جای خود قرار گیرد در غیر آن در جامعه ای مثل افغانستان که احزاب ورزیده سیاسی وجود ندارد با تشکیل حکومت ائتلافی، دیموکراسی مفهوم خود را از دست می دهد. البته در مشارکت ملی جای بحث نیست زیرا در هر حکومت و دولتی افراد مخالف یا موافق با خط مشی رئیس دولت وجود می داشته باشند، یعنی در بدنه دولت هر فرد حق کار و صلاحیت کاری خود را دارد. خلاصه مشارکت ملی درست، اما حکومت ائتلافی نه.

خواننده محترم تا اینجا که گفته شد، جریان مختصر انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ بود که سر انجام با دخالت و نفوذ دولت امریکا و از طریق آقای جان کری وزیر خارجه آن کشور «حکومت وحدت ملی» با تقسیم قدرت پنجاه، پنجاه درصد بین داکتر اشرف غنی و عبدالله عبدالله به میان آمد که نا گفته پیداست با این دو دستگی و اختلاف مواضع سیاسی اقتصادی و تشکیلاتی چه جنجال ها و مشکلاتی به وجود آمد که همه شاهد آن هستیم و ضرورت به توضیح نخواهد بود.

اینک از چند ماه بدین سو بار دیگر انتخابات ریاست جمهوری در جریان است، از آنجائیکه عبدالله عبدالله و دیگر کاندید ها همه به خوبی می دانستند که در برابر اشرف غنی و تیم «دولت ساز» شانس پیروزی ندارند لذا بار ها با اظهارات میان تهی بر گذاری انتخابات را تکذیب کرده، گاهی پای حکومت موقت و گاهی هم طرح حکومت سرپرست را پیش کشیدند و آنگاه که رئیس جمهور اشرف غنی و سازمان ملل متحد طبق قانون اساسی افغانستان روی بر گذاری

انتخابات اصرار و تأکید ورزیدند، هفده تیم جنگ سالار به شمول عبدالله عبدالله و گلب الدین حکمتیار و غیره به اصطلاح با صدها نق و فق و انتقاد های بی مورد خود را شامل لیست کاندید ریاست جمهوری نمودند ولی باز هم هر روز به بهانه جویی و اعتراضات شان ادامه داده و بالاخره همین که در یافتند که در برابر تیم «دولت ساز» چنان بازنده هستند که حتی شانس رفتن به دور دوم را هم ندارند، با آنکه در بیست و هفت ولایت باز شماری رأی مردم به پایان رسیده بود تیم عبدالله عبدالله به حمایت جنگ سالار عبدالرشید دوستم، حاجی محقق و چند تایی دیگر در هفت ولایت توسط حامیان شان جریان باز شماری و تفتیش و بررسی را متوقف نمودند و کمیسیون مستقل انتخابات را نا گذیر نموده اند که جهت رفع موانع کار شان از حکومت تقاضای همکاری کرده تا در زمینه از نیروی امنیتی استفاده به عمل آید.

خلاصه عبدالله عبدالله سر به سفارت خانه امریکا و جا های دیگر زده و در عین حال تلاش دارد که به حمایت سایر جنگ سالاران یک بحران خطر ناک و خون ریزی را به وجود آورد و بار دیگر همه دست آورد های نوزده سال را ویران و نابود نماید. باید از آنها و حامیان شان پرسید به غیر از جنگ و بحران آفرینی در پی چه اهدافی هستید؟

پایان

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و قلم بدست شناخته شده افغانستان را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند.

عبدالله عبدالله و حرکت های افسار گسیخته!

barez_naym_abdullah_abdullah_harakat_afsaar_gosekhta.pdf